

## تأثیر سرمایه فرهنگی مادران بر کیفیت ازدواج دختران (تحلیل نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی)

محمدرضا حشمتی\*

۱- دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول)

Rezaheshmaty1037@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۸/۱۷]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۶/۱۶]

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی خانواده بر کیفیت ازدواج دختران با تأکید بر نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی انجام شده است. مسئله تحقیق بر اساس افزایش چالش‌های زناشویی در جامعه معاصر ایران و نقش کلیدی نهاد خانواده در ارتقاء کیفیت ازدواج طرح شد. پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش پیمایشی صورت گرفت. جامعه آماری شامل زنان متأهل ۲۰ تا ۳۵ ساله شهر تهران بود که حداقل یک سال از ازدواج‌شان گذشته بود. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌های استاندارد برای سنجش سرمایه فرهنگی (بر مبنای نظریه بوردیو)، مهارت‌های ارتباطی و کیفیت ازدواج (پرسش‌نامه محقق ساخته بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) انجام شد. یافته‌ها نشان داد که سرمایه فرهنگی خانواده تأثیر مستقیم و معناداری بر کیفیت ازدواج دختران دارد. همچنین مهارت‌های ارتباطی به‌عنوان متغیر میانجی، نقش مهمی در تقویت این رابطه ایفا می‌کنند. نتایج حاکی از آن است که دخترانی که در خانواده‌هایی با سرمایه فرهنگی بالاتر رشد یافته‌اند، از سطح بالاتری از مهارت‌های ارتباطی برخوردارند که این امر موجب بهبود تعاملات زناشویی و ارتقای کیفیت ازدواج آن‌ها می‌شود. این پژوهش با تأکید بر نقش واسطه مهارت‌های ارتباطی، به شفاف‌سازی مسیرهای علی بین متغیرها پرداخته و دلالت‌هایی مهم برای سیاست‌گذاری در حوزه خانواده و آموزش پیش از ازدواج ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی مادران، کیفیت ازدواج دختران، مهارت‌های ارتباطی.

## ۱- مقدمه

ازدواج در جوامع مدرن، افزون بر آنکه فرآیندی شخصی و عاطفی به شمار می‌رود، پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی پیچیده است که تأثیرات عمیقی بر ثبات خانواده، سرمایه اجتماعی و انسجام جامعه دارد. خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، نقشی اساسی در انتقال ارزش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های اجتماعی دارد و در این میان، سرمایه فرهنگی خانواده به‌ویژه از سوی مادران نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری نگرش‌ها، مهارت‌های ارتباطی و الگوهای رفتاری فرزندان دختر ایفا می‌کند. پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که خانواده‌هایی که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردارند، از طریق انتقال دانش فرهنگی، سواد ارتباطی و ارزش‌های اجتماعی، توانمندی‌های لازم برای انتخاب آگاهانه و مدیریت موفقیت‌آمیز روابط زناشویی را در فرزندان خود تقویت می‌کنند (هادسون و همکاران، ۲۰۲۰). با این حال، در ایران معاصر بسیاری از ازدواج‌ها با چالش‌هایی مانند افزایش طلاق، کاهش رضایت زناشویی و ضعف مهارت‌های ارتباطی روبه‌رو هستند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). این شرایط، لزوم بررسی دقیق‌تر سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر کیفیت ازدواج را برجسته می‌سازد. از این‌رو، بررسی نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی در رابطه میان سرمایه فرهنگی خانواده و کیفیت ازدواج دختران می‌تواند تصویری روشن از مکانیزم‌های جامعه‌شناختی مؤثر بر پایداری خانواده ارائه دهد.

سرمایه فرهنگی خانواده، به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در نظریه بوردیو، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های منتقل‌شده در بستر خانوادگی است که می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت ازدواج فرزندان، به‌ویژه دختران، تأثیرگذار باشد (بوردیو، ۱۹۸۶). این نوع سرمایه در سه شکل تجسم‌یافته، عینیت یافته و نهادینه‌شده تبلور می‌یابد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (وانگ، ۲۰۲۲). مطالعات نشان می‌دهند که سرمایه فرهنگی خانواده به ارتقای مهارت‌های ارتباطی، توانایی گفت‌وگو، همدلی و حل مسئله در میان فرزندان کمک می‌کند و از این طریق به افزایش کیفیت روابط زناشویی آنان منجر می‌شود (آشر، ۲۰۲۱). همچنین پژوهش‌ها حاکی از آن‌اند که خانواده‌هایی با سرمایه فرهنگی بالا، محیطی مساعد برای پرورش سواد ارتباطی و اجتماعی فرزندان خود ایجاد می‌کنند و این امر احتمال تجربه‌ی ازدواج موفق را افزایش می‌دهد (امانوئلا و همکاران، ۲۰۲۴).

از منظر نظری، رابطه میان سرمایه فرهنگی خانواده و کیفیت ازدواج از طریق نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی قابل تبیین است. خانواده‌هایی که الگوهای ارتباطی سازنده‌تر و ارزش‌محور دارند، معمولاً شیوه‌های گفت‌وگو، همدلی و مدیریت تعارض را به‌طور غیرمستقیم به فرزندان منتقل می‌کنند (زیبن و لشنر، ۲۰۱۹). این فرآیند یادگیری، به‌ویژه در میان دختران که نقش اجتماعی و ارتباطی مهم‌تری در ساختار خانواده‌های آینده ایفا می‌کنند، تأثیر بیشتری دارد. از این دیدگاه، سرمایه فرهنگی نه‌تنها عاملی برای انتقال دانش و ارزش‌ها، بلکه بستری برای شکل‌دهی به سبک‌های ارتباطی مؤثر است که می‌تواند بنیان ازدواج‌های پایدار را تقویت کند.

با وجود اهمیت این موضوع، مرور ادبیات نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر تأثیر سرمایه فرهنگی بر موفقیت تحصیلی یا مشارکت اجتماعی متمرکز بوده‌اند (شی و هوتاگالونگ، ۲۰۲۵) و مطالعات اندکی به بررسی نقش آن در کیفیت ازدواج پرداخته‌اند. افزون بر این، یافته‌ها در مورد مسیرهای علی — به‌ویژه نقش واسط مهارت‌های ارتباطی — متناقض گزارش شده است (راودنسکا، ۲۰۲۲). این وضعیت نشان می‌دهد که حوزه تأثیر سرمایه فرهنگی بر کیفیت ازدواج، به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی غیرغربی مانند ایران،

1 Hudson et al

2 Bourdieu

3 Wang

4 Aşer

5 Emmanuella et al

6 Sieben &amp; Lechner

7 Xie &amp; Hutagalung

8 Raudenska

همچنان با شکاف‌های نظری و تجربی مواجه است. بیشتر مطالعات موجود در جوامع غربی انجام شده‌اند (بیون و همکاران، ۲۰۱۲) و شواهد بومی برای تبیین این فرآیند در جوامع شرقی محدود است (صادقی و همکاران، ۲۰۱۲)؛ بنابراین، انجام پژوهش‌های بومی در این زمینه، نه تنها برای پر کردن خلأ علمی، بلکه برای تدوین راهکارهای فرهنگی و آموزشی جهت ارتقای کیفیت ازدواج در ایران ضروری به نظر می‌رسد.

در سطح نظری، این پژوهش تلاشی برای تلفیق رویکرد فرهنگی بوردیو درباره سرمایه فرهنگی با نظریه‌های ارتباطات بین‌فردی است تا نشان دهد چگونه مهارت‌های ارتباطی می‌توانند نقش واسطه‌ای در انتقال سرمایه فرهنگی به عرصه روابط زناشویی ایفا کنند. از منظر عملی، نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های خانواده‌محور، طراحی برنامه‌های آموزشی مهارت‌های ارتباطی و تدوین مداخلات فرهنگی در جهت تقویت پایداری ازدواج‌ها فراهم آورد. در شرایط کنونی جامعه ایران که با تغییرات اجتماعی گسترده، تحولات فرهنگی و افزایش نرخ ناپایداری خانوادگی روبه‌روست، چنین پژوهش‌هایی ضرورتی دوچندان دارند. نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با بهره‌گیری از چارچوب نظری بوردیو و ترکیب آن با دیدگاه‌های ارتباطی معاصر، نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی را در رابطه میان سرمایه فرهنگی خانواده و کیفیت ازدواج دختران بررسی می‌کند. این مطالعه با تأکید بر بستر فرهنگی ایران، تلاشی است برای ارائه مدلی بومی در جامعه‌شناسی خانواده که بتواند در تبیین روابط میان سرمایه فرهنگی، مهارت‌های ارتباطی و کیفیت ازدواج نقش مؤثری ایفا کند و به غنای نظری پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی در این حوزه بیفزاید.

## ۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

سروش و علیپوریان (۱۴۰۱) نشان دادند که افزایش سطح سرمایه فرهنگی در میان زوجین با استفاده بیشتر از راهبردهای مثبت ارتباطی و کاهش راهبردهای منفی در مواجهه با تعارضات زناشویی همراه است. این یافته بیانگر آن است که سرمایه فرهنگی، با تقویت الگوهای ارتباطی سازنده، نقش مستقیمی در کاهش تنش‌های زناشویی دارد. در همین راستا، جعفری (۱۴۰۲) دریافت که آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج موجب افزایش معنادار رضایت زناشویی، بهبود حل تعارض و ارتقای رضایت جنسی می‌شود. نتایج این پژوهش اهمیت آموزش و انتقال مهارت‌های ارتباطی را در مرحله پیش از ازدواج و در تداوم روابط زناشویی تأیید می‌کند و از این نظر با فرضیه میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی در پژوهش حاضر همسو است.

همچنین، کاتب‌زاده بدر و همکاران (۱۴۰۱) با بررسی رابطه میان مهارت‌های ارتباطی و عملکرد خانواده، نشان دادند که این مهارت‌ها از طریق افزایش امنیت روانی، موجب بهبود روابط خانوادگی و کاهش تنش می‌شوند. این یافته با نتایج پژوهش حاضر هم‌جهت است؛ چراکه مهارت‌های ارتباطی در هر دو مطالعه به‌عنوان متغیر واسطه‌ای مؤثر بر کیفیت روابط خانوادگی عمل می‌کنند. افزون بر این، علی‌دی، لاریجانی و مدرس قرچه‌داغی (۱۴۰۱) گزارش کردند که سرمایه فرهنگی مادران رابطه‌ای مثبت و معنادار با ازدواج موفق دختران دارد و ابعادی مانند تحصیلات و باورهای مذهبی مادران نقش پیش‌بینی‌کننده مهمی در موفقیت ازدواج فرزندان ایفا می‌کنند. این نتیجه تأکید دارد که مادران با انتقال ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای ارتباطی خود، در واقع زمینه‌های فرهنگی لازم برای ازدواج موفق را فراهم می‌کنند.

پژوهش‌های دیگر نیز یافته‌های مشابهی ارائه کرده‌اند. بنی‌فاطمه و طاهری تیمورلویی (۱۴۰۱) نشان دادند که متغیرهای فرهنگی و اجتماعی مانند دین‌داری، سرمایه اجتماعی و سطح تحصیلات با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارند. در همین راستا، محمودپور و همکاران (۱۴۰۰) تأکید کردند که مهارت‌های ارتباطی و حمایت اجتماعی از عوامل کلیدی پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی زناشویی

هستند. همچنین، تبار، اولیانی و نیک‌اندیش (۱۴۰۰) دریافتند که سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی به‌صورت هم‌زمان در تقویت پایداری خانواده نقش دارند و در مجموع بخش قابل توجهی از واریانس پایداری خانواده را تبیین می‌کنند.

در سطح بین‌المللی نیز نتایج مشابهی گزارش شده است. بانکاس<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در چین دریافت که فرهنگ خانواده رابطه مثبت و معناداری با ثبات ازدواج دارد و این اثر در میان نسل‌های قدیمی‌تر و خانواده‌های کم‌جمعیت قوی‌تر است. مطالعه جانگ، دوک‌هی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان داد که رضایت زناشویی از طریق دو مسیر فرهنگ‌پذیری و سرمایه اجتماعی به بهبود کارآمدی والدینی زنان مهاجر منجر می‌شود؛ یافته‌ای که پیوند میان روابط زناشویی و انتقال سرمایه‌های فرهنگی-اجتماعی را تأیید می‌کند. در پژوهشی دیگر، دوی، ملیستانتیری و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) در اندونزی دریافتند که سرمایه اجتماعی و تعامل زوجین رابطه‌ای مثبت با کیفیت ازدواج دارند، به‌ویژه در سال‌های میانی زندگی مشترک که پایداری عاطفی افزایش می‌یابد.

از منظر انتقال فرهنگی درون خانواده، مطالعه گیلکریست‌پتی و بورک<sup>۴</sup> (۲۰۱۵) نشان داد که روایت‌ها و توصیه‌های مادران درباره ازدواج، پیش‌بینی کننده مثبت رضایت زناشویی دختران است. این پژوهش به‌روشنی بیان می‌کند که گفت‌وگوهای مادر-دختری بستری برای انتقال سرمایه فرهنگی و تقویت مهارت‌های ارتباطی فراهم می‌آورد.

مرور این پیشینه‌ها نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات داخلی و خارجی بر سه نکته کلیدی تأکید دارند: نخست، سرمایه فرهنگی خانواده به‌ویژه از سوی مادران، عامل بنیادی در شکل‌گیری نگرش‌ها و الگوهای ارتباطی مؤثر در ازدواج است؛ دوم، مهارت‌های ارتباطی نقش میانجی مهمی در رابطه بین سرمایه فرهنگی و کیفیت ازدواج ایفا می‌کنند؛ و سوم، متغیرهای فرهنگی و اجتماعی به‌صورت هم‌زمان در پایداری و رضایت زناشویی نقش دارند. تفاوت‌های اندک میان یافته‌ها عمدتاً به تفاوت در بافت فرهنگی، نوع جامعه‌پذیری خانوادگی و سطح تحصیلات والدین بازمی‌گردد. در مجموع، مرور پیشینه‌های پژوهشی نشان می‌دهد که نتایج پژوهش حاضر در همسویی کامل با روند علمی موجود است و با تأکید بر نقش سرمایه فرهنگی مادران و مهارت‌های ارتباطی، تصویری بومی و جامع از کیفیت ازدواج دختران در جامعه ایرانی ارائه می‌دهد.

نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو (۱۹۸۶) سرمایه فرهنگی را یکی از انواع سرمایه اجتماعی می‌داند که در سه شکل عینی، نهادی و تجسم‌یافته ظهور می‌یابد. این سرمایه از طریق خانواده و نظام آموزشی منتقل شده و بر نگرش‌ها، سبک زندگی و تعاملات اجتماعی اثرگذار است. بر این اساس، دخترانی که در خانواده‌هایی با سرمایه فرهنگی بالاتر پرورش یافته‌اند، معمولاً نگرش مثبت‌تر و مهارت‌های ارتباطی قوی‌تری دارند که کیفیت روابط زناشویی آن‌ها را ارتقا می‌دهد. پژوهش‌های اخیر در ایران نیز نشان داده است که سرمایه فرهنگی نقش مهمی در کاهش خشونت روانی-کلامی و بهبود کیفیت تعاملات خانوادگی دارد (متولیان، ۲۰۲۵).

بر اساس نظریه تبادل اجتماعی، روابط انسانی بر مبنای مبادله منابع مادی و غیرمادی شکل می‌گیرد و زمانی پایدار می‌ماند که منافع روانی، عاطفی و اجتماعی بیش از هزینه‌ها و تنش‌ها باشد (هومانس، ۱۹۶۱). در این چارچوب، سرمایه فرهنگی خانواده از طریق ارتقاء مهارت‌های ارتباطی و توانایی مدیریت تعارض، موجب افزایش رضایت زناشویی و بهبود توازن سود-هزینه در زندگی مشترک می‌شود. یافته‌های جدید نیز نشان داده‌اند که کیفیت تبادلات اجتماعی و هیجانی میان زوجین، پیش‌بینی کننده قوی رضایت زناشویی است (نیکراهان، ۲۰۲۳). بر مبنای نظریه سیستم‌های خانواده، خانواده یک سیستم پویا و درهم‌تنیده است که الگوهای ارتباطی و رفتاری آن به نسل‌های بعد منتقل می‌شود سرمایه فرهنگی خانواده در قالب ارزش‌ها، هنجارها و سبک‌های ارتباطی به دختران منتقل شده و بر نحوه تعامل آن‌ها با همسر در زندگی مشترک اثر می‌گذارد (لوفت و همکاران، ۲۰۲۵).

1 Bankas

2 Jang, Duk-Hee, et al

3 Dwi, Melistiantri, et al

4 Gilchrist-Petty &amp; Burke

5 Luft et al.

نظریه ارتباطات بین‌فردی بر اهمیت مهارت‌های ارتباطی در کیفیت روابط انسانی تأکید دارد. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که مهارت‌های ارتباطی مؤثر با افزایش صمیمیت و رضایت زناشویی رابطه مستقیم دارند و می‌توانند یکی از عوامل کلیدی ارتقاء کیفیت زندگی مشترک محسوب شوند (کیلچارسلان<sup>۱</sup>، ۲۰۲۳). نظریه انتخاب عقلانی در ازدواج این نظریه بیان می‌کند که افراد در انتخاب همسر و ادامه زندگی مشترک بر اساس تصمیمات عقلانی و محاسبه هزینه-فایده عمل می‌کنند (رشوند، ۲۰۲۵). سرمایه فرهنگی خانواده به‌عنوان یک عامل مؤثر می‌تواند بر معیارهای انتخاب همسر، سطح انتظارات و سبک تعامل در زندگی مشترک اثرگذار باشد.

نظریه سیستم‌های خانواده موری بوون<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) خانواده را یک نظام پویا و عاطفی می‌داند که در آن الگوهای رفتاری، ارتباطی و هیجانی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. از دیدگاه بوون، میزان «افتراق از خود» در افراد تعیین‌کننده توانایی آن‌ها در مدیریت هیجان‌ها و حفظ استقلال در روابط نزدیک است. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که انتقال الگوهای هیجانی و ارتباطی بین نسل‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری سلامت روان، کیفیت روابط زناشویی و سازگاری فردی دارد. برای مثال، مطالعه‌ای در سال ۲۰۲۴ نشان داد که مشکلات عاطفی در خانواده والدین می‌تواند از طریق فرآیندهای میان‌نسلی مانند مثلث‌سازی، استقلال هیجانی فرزندان را کاهش دهد و در نهایت باعث ناسازگاری روانی در نسل سوم شود (چپوکینه و نئوفیتو<sup>۳</sup>، ۲۰۲۴). بر این اساس، نظریه سیستم‌های خانواده بوون می‌تواند مبنایی نظری برای تحلیل روابط خانوادگی در بافت فرهنگی ایران نیز فراهم آورد. چراکه مشابه فرهنگ‌های آسیایی، خانواده ایرانی نیز ساختاری عاطفی، چندنسلی و مبتنی بر تعاملات متقابل دارد که در آن انتقال هیجانی، ارزش‌ها و مهارت‌های ارتباطی از نسلی به نسل دیگر صورت می‌گیرد (چان، ۲۰۲۴). همچنین مرور پژوهش‌های انجام‌شده در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ نشان داده است که نظریه بوون چارچوبی مؤثر برای درک و درمان تعارض‌های خانوادگی و بهبود روابط والد-فرزند و همسران فراهم می‌کند (محموده و مایلانسانی<sup>۴</sup>، ۲۰۲۴). علاوه بر این، مفهوم «افتراق از خود» که از مفاهیم محوری نظریه بوون است، پیش‌بینی‌کننده مستقیم سلامت روان و رضایت زناشویی محسوب می‌شود (کالاتراوا<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). یافته‌های اخیر همچنین نشان داده‌اند که اصول نظریه بوون با فرهنگ‌های جمع‌گرا نیز سازگار است و می‌تواند برای تحلیل روابط خانوادگی در جوامع آسیایی مورد استفاده قرار گیرد (چان<sup>۶</sup>، ۲۰۲۴)؛ بنابراین، این نظریه چارچوبی قوی برای تبیین انتقال سرمایه فرهنگی، هیجانی و ارتباطی از مادر به دختر فراهم می‌کند. نظریه ارتباطات بین‌فردی که نخستین بار توسط برلسون (۲۰۱۰) مطرح و در سال‌های اخیر توسط پژوهشگرانی مانند کیلچارسلان (۲۰۲۳) گسترش یافته است، تأکید دارد که مهارت‌های ارتباطی مؤثر — شامل گوش دادن فعال، همدلی، بازخورد سازنده و بیان صادقانه احساسات، پایه و اساس شکل‌گیری صمیمیت، اعتماد و رضایت زناشویی هستند. مطالعات جدید نشان داده‌اند که کیفیت ارتباط میان زوج‌ها رابطه مستقیمی با رضایت زناشویی دارد و ضعف در این مهارت‌ها به افزایش تعارضات و کاهش احساس صمیمیت می‌انجامد (کیلچارسلان<sup>۷</sup>، ۲۰۲۳). همچنین تحقیقات دیگری تأکید کرده‌اند که مهارت‌های ارتباطی می‌توانند نقش میانجی میان سرمایه فرهنگی و کیفیت روابط زناشویی ایفا کنند، به گونه‌ای که ارتباط مؤثر به عنوان پلی میان ارزش‌های فرهنگی و رضایت عاطفی عمل می‌کند (برلسون و استاینر<sup>۸</sup>، ۲۰۲۰). بر این اساس، نظریه ارتباطات بین‌فردی پشتوانه‌ای نظری برای توضیح نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی در مدل‌های مربوط به روابط خانوادگی و زناشویی فراهم می‌آورد.

1 Kilcarslan

2 Murray Bowen

3 Tsiopkina &amp; Neophytou

4 Mahmouda and Mylansari

5 Calatrava

6 Chan

7 Kilcarslan

8 Burlson and Steiner

نظریه انتخاب عقلانی جیمز کولمن (۱۹۹۰) نیز روابط انسانی، از جمله تصمیم به ازدواج و تداوم آن را نتیجه محاسبه عقلانی میان هزینه‌ها، منافع و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌داند. از نگاه این نظریه، انسان‌ها بر اساس منابع در دسترس، هنجارهای اجتماعی و انتظارات فرهنگی، انتخاب‌هایی انجام می‌دهند که بیشترین سود و کمترین هزینه را برای آن‌ها داشته باشد. پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که تصمیم به ازدواج و استمرار رابطه زناشویی اغلب بر پایه ارزیابی عقلانی از منابع اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی صورت می‌گیرد (لی و وانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲). همچنین سرمایه فرهنگی، شامل سطح تحصیلات، نگرش‌های خانوادگی و ارزش‌های اجتماعی، عامل مهمی در انتخاب همسر و پایداری ازدواج است (حسن و محمود<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳). بدین ترتیب، نظریه انتخاب عقلانی چارچوبی تحلیلی برای درک تأثیر سرمایه فرهنگی بر انتخاب همسر و استمرار رابطه زناشویی فراهم می‌سازد.

در مجموع، سه نظریه‌ی بوون، برلسون و کولمن در کنار هم تصویری جامع از چگونگی شکل‌گیری، تداوم و انتقال روابط انسانی ارائه می‌دهند. نظریه بوون بُعد عاطفی و بین‌نسلی خانواده را تبیین می‌کند، نظریه ارتباطات بین‌فردی به سازوکارهای ارتباطی و صمیمیت میان زوج‌ها می‌پردازد و نظریه انتخاب عقلانی چارچوبی عقلانی برای تحلیل تصمیم‌گیری‌های زناشویی و نقش سرمایه فرهنگی فراهم می‌سازد.

جدول ۱: مرور پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق

ردیف	پژوهشگر / سال	عنوان پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها	ارتباط با پژوهش حاضر
۱	سروش و علیپوریان (۱۴۰۱)	رابطه سرمایه فرهنگی و شدت تعارضات زناشویی و راهبردهای مواجهه در زوجین	سرمایه فرهنگی بالاتر با استفاده از راهبردهای مثبت ارتباطی و کاهش تعارضات زناشویی همراه است.	تأیید نقش سرمایه فرهنگی در شکل‌دهی به مهارت‌های ارتباطی و کاهش تعارض
۲	جعفری (۱۴۰۲)	اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر رضایت زناشویی	آموزش مهارت‌های ارتباطی موجب افزایش رضایت زناشویی، حل تعارض و رضایت جنسی شد.	تأکید بر نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی در بهبود کیفیت ازدواج
۳	کاتب‌زاده بدر و همکاران (۱۴۰۱)	مدل عملکرد خانواده با میانجی‌گری امنیت روانی و مهارت‌های ارتباطی	مهارت‌های ارتباطی با عملکرد خانواده رابطه دارد؛ امنیت روانی میانجی مؤثر در این ارتباط است.	هم‌جهت با نقش واسطه‌ای مهارت‌های ارتباطی در تقویت کیفیت روابط
۴	عابدی، لاریجانی و مدرس قرچه‌داغی (۱۴۰۱)	تأثیر سرمایه فرهنگی مادران بر ازدواج موفق دختران	سرمایه فرهنگی مادران (تحصیلات و باورهای مذهبی) پیش‌بینی‌کننده ازدواج موفق است.	تأکید بر انتقال سرمایه فرهنگی از مادران و اثر آن بر کیفیت ازدواج دختران
۵	بنی‌فاطمه و طاهری تیمورلویی (۱۴۰۱)	عوامل اجتماعی-فرهنگی مرتبط با رضایت زناشویی	دین‌داری، سرمایه اجتماعی و تحصیلات با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارند.	تأیید اثر متغیرهای فرهنگی بر کیفیت زندگی زناشویی
۶	محمودپور و همکاران (۱۴۰۰)	تبیین کیفیت زندگی زناشویی بر اساس مهارت‌های ارتباطی و حمایت اجتماعی	مهارت‌های ارتباطی و حمایت اجتماعی پیش‌بینی‌کننده کیفیت رابطه زناشویی هستند.	تقویت نقش مهارت‌های ارتباطی در رضایت زناشویی
۷	تبار، اولیانی و نیک‌اندیش (۱۴۰۰)	نقش سرمایه فرهنگی و اجتماعی در پایداری خانواده	سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی در مجموع ۸۲٪ از واریانس پایداری خانواده را تبیین کردند.	همسویی کامل با نقش سرمایه فرهنگی در ثبات خانواده

1 Li &amp; Wang

2 Hassan and Mahmoud

فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان			دوره ۸ / شماره ۱ (پیاپی ۲۶) / بهار ۱۴۰۵
۸	بانکاس (۲۰۲۲)	تأثیر فرهنگ خانواده بر پایداری ازدواج در چین	فرهنگ خانواده رابطه مثبت و معناداری با ثبات ازدواج دارد، به‌ویژه در نسل‌های قدیمی‌تر.
۹	جانگ، دوک‌هی و همکاران (۲۰۱۵)	اثر میانجی فرهنگ‌پذیری و سرمایه اجتماعی در رابطه رضایت زناشویی و کارآمدی والدینی	رضایت زناشویی از طریق فرهنگ‌پذیری و سرمایه اجتماعی موجب افزایش کارآمدی والدینی می‌شود.
۱۰	دوی، ملیستانتری و همکاران (۲۰۱۹)	تأثیر سرمایه اجتماعی و تعامل زن و شوهر بر کیفیت ازدواج	سرمایه اجتماعی و تعامل زوجین رابطه مثبت با کیفیت ازدواج دارد.
۱۱	گیلکریست‌پتی و بورک (۲۰۱۵)	توصیه‌های نهفته مادرانه و رضایت زناشویی دختران	روایت‌ها و توصیه‌های مادران پیش‌بینی‌کننده مثبت رضایت زناشویی دختران است.
۱۲	حامدیان (۲۰۲۴)	نقش سرمایه فرهنگی در کاهش خشونت روانی-کلامی در خانواده	سرمایه فرهنگی بالاتر موجب کاهش خشونت و بهبود ارتباط در خانواده می‌شود.
۱۳	نیکراهان (۲۰۲۳)	تبادلات هیجانی و رضایت زناشویی	کیفیت تبادلات هیجانی میان زوجین پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی است.
۱۴	کیلچارسلان (۲۰۲۳)	مهارت‌های ارتباطی و رضایت زناشویی	مهارت‌های ارتباطی مؤثر با افزایش صمیمیت و رضایت زناشویی رابطه مستقیم دارند.

### ۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است که با رویکرد میدانی و از طریق روش پیمایشی<sup>۱</sup> انجام شده است. هدف آن، بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی خانواده بر کیفیت ازدواج دختران با نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، مقطعی و کمی است.

هدف اصلی پژوهش بررسی نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی در ارتباط بین سرمایه فرهنگی خانواده و کیفیت ازدواج دختران بوده است. این تحقیق در بستر میدانی و در شرایط واقعی زندگی زوجین اجرا شد تا نتایج آن از اعتبار بیرونی مناسبی برخوردار باشد. داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه‌های معتبر و روش خودگزارش‌دهی گردآوری شد تا امکان دستیابی به درک عمیق‌تری از روابط میان متغیرها در بافت اجتماعی و فرهنگی ایران فراهم گردد.

چارچوب نظری پژوهش بر اساس نظریه سرمایه فرهنگی پیر بوردیو پایه‌گذاری شده است. این نظریه سرمایه فرهنگی را در سه بعد تجسم‌یافته<sup>۲</sup> عینی<sup>۳</sup> و نهادی‌شده<sup>۴</sup> معرفی می‌کند که می‌توانند از طریق فرآیند جامعه‌پذیری، بر کیفیت تصمیم‌گیری در انتخاب همسر و سازگاری زناشویی مؤثر باشند. همچنین، از نظریه شایستگی ارتباطی در روابط زوجی بهره گرفته شده تا چگونگی تأثیر مهارت‌های

1 Survey Method  
2 embodied  
3 objectified  
4 institutionalized

ارتباطی در تداوم و رضایت زناشویی مورد توجه قرار گیرد. مدل مفهومی تحقیق تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سرمایه فرهنگی خانواده بر کیفیت ازدواج دختران را از طریق میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی تحلیل می‌کند و برای بررسی روابط بین متغیرها از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است.

پژوهش به بررسی تأثیر ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی خانواده (شامل سرمایه فرهنگی نهادی، تجسم‌یافته و عینی) بر کیفیت ازدواج دختران پرداخته و مهارت‌های ارتباطی را به‌عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته است. داده‌ها به‌صورت مقطعی و از طریق ابزار پرسش‌نامه‌ای گردآوری شدند که با استفاده از منابع معتبر طراحی و روایی محتوایی آن تأیید شد. چارچوب نظری پژوهش، ترکیبی از نظریه سرمایه فرهنگی بورديو و نظریه ارتباطات بین‌فردی است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) با نرم‌افزار pls استفاده گردید. تمامی مراحل تحقیق بر اساس اصول اخلاق پژوهش در علوم اجتماعی اجرا شد.

جامعه آماری پژوهش را زنان متأهل ۲۰ تا ۳۵ ساله ساکن شهر تهران تشکیل دادند که حداقل یک سال از زمان ازدواج آن‌ها گذشته بود. از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۳۵۰ نفر تعیین گردید. معیارهای ورود به پژوهش شامل داشتن ازدواج رسمی و فعال، سکونت مشترک با همسر و تمایل به مشارکت در مطالعه بود؛ در مقابل، افرادی که در فرآیند طلاق یا جدایی بودند یا از تکمیل پرسش‌نامه امتناع کردند، از مطالعه کنار گذاشته شدند. برای کنترل متغیرهای مداخله‌گر، اطلاعات جمعیت‌شناختی نظیر سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال و پیشینه فرهنگی-اجتماعی والدین جمع‌آوری و در تحلیل‌ها لحاظ شد.

برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش از سه ابزار پرسش‌نامه استفاده شد که متناسب با متغیرهای پژوهش طراحی یا اقتباس گردیدند. برای سنجش سرمایه فرهنگی خانواده، از پرسش‌نامه محقق‌ساخته با الهام از ابعاد سه‌گانه نظریه بورديو (سرمایه فرهنگی نهادی، تجسم‌یافته و عینی) استفاده شد. این پرسش‌نامه شامل ۱۵ گویه بود که بر مبنای طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) نمره‌گذاری شد. برای سنجش مهارت‌های ارتباطی از نسخه کوتاه‌شده پرسش‌نامه ارتباط بین‌فردی اسپنسر و بوهم (۱۹۹۶) در قالب ۱۰ گویه استفاده گردید که روایی آن در مطالعات داخلی متعدد تأیید شده است. همچنین، کیفیت ازدواج از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته در نسخه ۱۴ گویه‌ای مورد سنجش قرار گرفت.

برای تأمین روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه‌ها، نظرات ۵ نفر از اساتید حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی خانواده و روش تحقیق اخذ و اصلاحات لازم اعمال گردید. همچنین برای تأیید روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) استفاده شد. همه گویه‌ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۰۵ و معنادار در سطح ۰/۰۰۱ بودند که نشان‌دهنده ساختار مناسب ابزارها بود. برای بررسی پایایی ابزارها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه سرمایه فرهنگی برابر با ۰/۸۴، برای پرسش‌نامه مهارت‌های ارتباطی ۰/۸۱ و برای پرسش‌نامه کیفیت ازدواج ۰/۸۷ به‌دقت آمد. این مقادیر نشان می‌دهند که ابزارهای مورد استفاده از پایایی مناسبی برخوردارند و برای استفاده در جامعه آماری پژوهش اعتبار کافی دارند.

#### ۴- یافته‌ها

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد ویژگی‌های دموگرافیک نمونه پژوهش

متغیر	فراوانی	درصد
جنسیت	دختر	۳۵۰
	کل	۳۵۰
گروه سنی	۲۰-۲۴	۱۱۷
	۲۵-۳۹	۱۱۴
	۳۰-۳۵	۱۱۹

۱۰۰	۳۵۰	کل	
۳۶/۳	۱۲۷	۱-۵	مدت ازدواج
۳۴	۱۱۹	۶-۱۰	
۲۹	۱۰۴	۱۱-۱۵	
۱۰۰	۳۵۰	کل	
۱۷/۷	۶۲	سیکل	تحصیلات
۱۷/۴	۶۱	متوسطه	
۱۶/۳	۵۷	دیپلم	
۱۵/۷	۵۵	فوق‌دیپلم	
۱۶	۵۶	لیسانس	
۱۶/۹	۵۹	فوق‌لیسانس	
۱۰۰	۳۵۰	کل	

نمونه پژوهش حاضر شامل ۳۵۰ دختر بود که همگی به‌عنوان پاسخ‌گویان در تحقیق مشارکت داشتند. بررسی توزیع سنی نشان داد که بیشترین تعداد افراد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۵ سال قرار داشتند (۳۴ درصد)، در حالی که ۴/۳۳ درصد از افراد در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال و ۶/۳۲ درصد در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال بودند. این امر نشان می‌دهد که جامعه آماری پژوهش عمدتاً شامل دختران جوان و در سنین اوج ازدواج بوده است. از نظر مدت ازدواج، یافته‌ها بیانگر آن است که بیشترین فراوانی مربوط به افرادی با سابقه ازدواج ۱ تا ۵ سال بوده است (۳/۳۶ درصد). همچنین، ۳۴ درصد از شرکت‌کنندگان بین ۶ تا ۱۰ سال و ۷/۲۹ درصد نیز بین ۱۱ تا ۱۵ سال از زندگی مشترک خود را سپری کرده بودند؛ بنابراین، تنوع مناسبی از نظر طول مدت ازدواج در بین نمونه‌ها وجود داشته است. از لحاظ سطح تحصیلات، افراد نمونه پژوهش توزیع تقریباً متعادلی داشتند. کمترین درصد مربوط به مدرک دیپلم (۳/۱۶ درصد) و بیشترین درصد به مدرک سیکل (۷/۱۷ درصد) و فوق‌لیسانس (۹/۱۶ درصد) تعلق داشت. سایر سطوح تحصیلی شامل متوسطه (۴/۱۷ درصد)، فوق‌دیپلم (۷/۱۵ درصد) و لیسانس (۱۶ درصد) بودند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که جامعه مورد بررسی از نظر سطح تحصیلات از تنوع کافی برخوردار است.

جدول ۳: ماتریس همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش

کیفیت ازدواج دختران	مهارت‌های ارتباطی	سرمایه فرهنگی مادران		
۰/۶۶۷	۰/۷۶۰	۱	ضریب همبستگی	سرمایه فرهنگی مادران
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		سطح معنی‌داری	
۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	تعداد	
۰/۶۱۴	۱	۰/۷۶۰	ضریب همبستگی	مهارت‌های ارتباطی
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	تعداد	
۱	۰/۶۱۴	۰/۶۶۷	ضریب همبستگی	کیفیت ازدواج دختران
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی‌داری	
۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	تعداد	

جدول شماره ۳، ماتریس همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج بیانگر آن است که بین سرمایه فرهنگی مادران و مهارت‌های ارتباطی دختران همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ( $r = 0.760, p < 0.001$ )، همچنین، سرمایه فرهنگی مادران با کیفیت ازدواج دختران نیز رابطه مثبت و معنادار دارد ( $r = 0.667, p < 0.001$ )، از سوی دیگر، مهارت‌های ارتباطی و کیفیت ازدواج دختران نیز همبستگی مثبت و معناداری را نشان دادند ( $r = 0.614, p < 0.001$ )، این نتایج به روشنی نشان می‌دهند که هرچه سرمایه فرهنگی خانواده بیشتر باشد، سطح مهارت‌های ارتباطی دختران بالاتر بوده و در نهایت کیفیت ازدواج آنان نیز بهبود می‌یابد. همچنین نقش مهارت‌های ارتباطی به‌عنوان متغیر مهم در پیوند سرمایه فرهنگی و کیفیت ازدواج تأیید می‌شود.

جدول ۴: شاخص‌های پایایی و روایی همگرا برای متغیرهای پژوهش

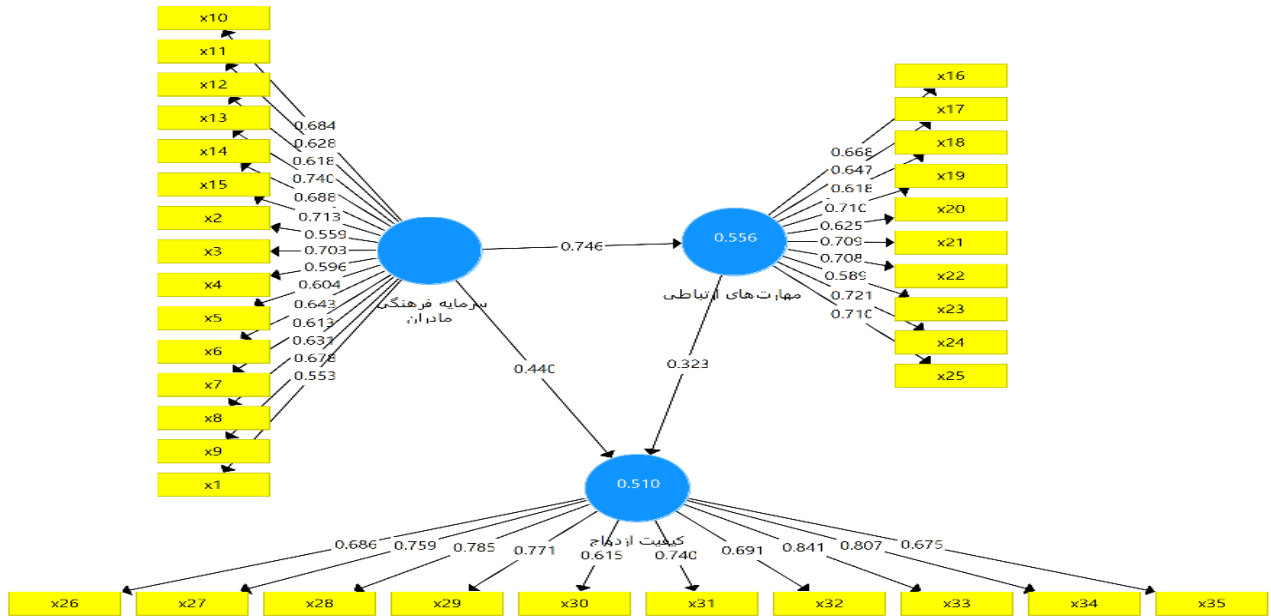
شاخص ave	پایایی مرکب	پایایی	
۰/۵۲	۰/۹۱	۰/۹۰	سرمایه فرهنگی مادران
۰/۵۵	۰/۸۹	۰/۸۶	مهارت‌های ارتباطی
۰/۵۵	۰/۹۲	۰/۹۱	کیفیت ازدواج

جدول شماره ۴، شاخص‌های پایایی و روایی همگرا برای متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار پایایی کرونباخ آلفا برای همه متغیرها بالاتر از ۰/۷۰ است (سرمایه فرهنگی مادران = ۰/۹۰، مهارت‌های ارتباطی = ۰/۸۶، کیفیت ازدواج = ۰/۹۱) که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار اندازه‌گیری است. همچنین، مقادیر پایایی مرکب (CR) برای کلیه متغیرها بالاتر از ۰/۷۰ (بین ۰/۸۹ تا ۰/۹۲) بوده و معیار لازم برای پایایی سازه‌ها را تأمین می‌کند. از سوی دیگر، مقادیر میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) برای همه متغیرها بیش از ۰/۵۰ (بین ۰/۵۲ تا ۰/۵۵) بوده که روایی همگرا را تأیید می‌نماید. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که ابزار پژوهش از نظر پایایی و روایی همگرا در سطح قابل قبول و مناسب قرار دارد و متغیرهای پژوهش با دقت و اعتبار کافی اندازه‌گیری شده‌اند.

جدول ۵: ماتریس فورنل و لارکر برای بررسی روایی واگرا

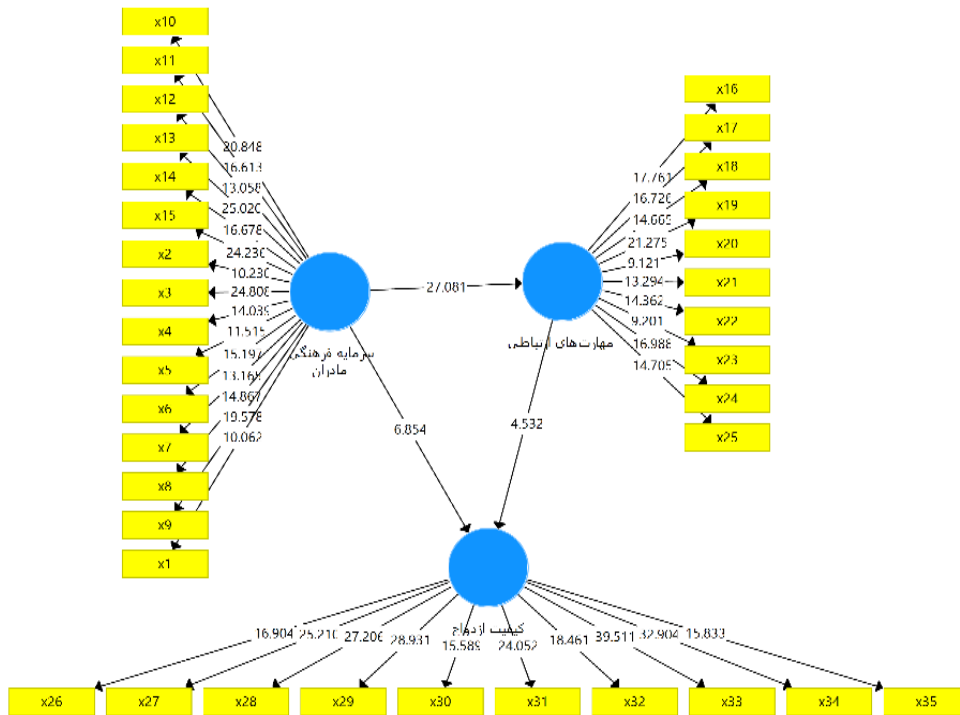
کیفیت ازدواج	مهارت‌های ارتباطی	سرمایه فرهنگی مادران	
		۰/۷۵	سرمایه فرهنگی مادران
	۰/۶۷	۰/۶۵	مهارت‌های ارتباطی
۰/۷۴	۰/۶۵	۰/۶۸	کیفیت ازدواج

جدول شماره ۵، ماتریس فورنل و لارکر را برای بررسی روایی واگرا بین متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. بر اساس معیار فورنل و لارکر، جذر میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) هر سازه باید بیشتر از همبستگی آن سازه با سایر سازه‌ها باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقدار جذر AVE برای سرمایه فرهنگی مادران ۰/۷۵، مهارت‌های ارتباطی ۰/۶۷ و کیفیت ازدواج ۰/۷۴ همگی بیشتر از ضرایب همبستگی بین سازه‌ها با یکدیگر است (برای نمونه، همبستگی سرمایه فرهنگی مادران با مهارت‌های ارتباطی برابر با ۰/۶۵ و با کیفیت ازدواج ۰/۶۸ است)؛ بنابراین، شرط روایی واگرا بر اساس معیار فورنل و لارکر در این پژوهش برقرار است.



نمودار ۱: معادلات ساختاری مدل پژوهش

نمودار شماره ۱، ساختار معادلات پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، سرمایه فرهنگی مادران اثر مستقیم و معناداری بر مهارت‌های ارتباطی (ضریب مسیر = ۰/۷۴۶) و کیفیت ازدواج دختران (ضریب مسیر = ۰/۴۴۰) دارد. همچنین مهارت‌های ارتباطی نیز اثر مستقیم و معناداری بر کیفیت ازدواج دختران (ضریب مسیر = ۰/۳۲۳) نشان می‌دهد. مقادیر اعداد درون دایره‌ها ( $R^2$ ) بیانگر میزان واریانس تبیین شده هر متغیر پنهان است؛ به طوری که ۵۵/۶ درصد از واریانس مهارت‌های ارتباطی و ۵۱ درصد از واریانس کیفیت ازدواج توسط مدل تبیین شده است؛ بنابراین، یافته‌ها نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی مادران هم به طور مستقیم و هم از طریق تقویت مهارت‌های ارتباطی، کیفیت ازدواج دختران را ارتقا می‌دهد.



نمودار ۲: معادلات ساختاری مدل پژوهش بر اساس مقادیر آماره t

نمودار شماره ۲، مقادیر آماره  $t$  برای مسیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مسیر سرمایه فرهنگی مادران  $\rightarrow$  مهارت‌های ارتباطی با آماره  $t$  برابر با  $۲۷/۰۸۱$ ، مسیر سرمایه فرهنگی مادران  $\leftarrow$  کیفیت ازدواج دختران با آماره  $t$  برابر با  $۶/۸۴۵$  و مسیر مهارت‌های ارتباطی  $\leftarrow$  کیفیت ازدواج دختران با آماره  $t$  برابر با  $۴/۵۳۲$  همگی بزرگ‌تر از مقدار بحرانی  $۱/۹۶$  بوده و در سطح  $۰/۰۵$  معنادار هستند. علاوه بر این، ضرایب  $t$  مربوط به گویه‌های هر سازه نیز نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌ها بار عاملی معناداری بر متغیرهای پنهان خود دارند؛ بنابراین، یافته‌ها مؤید آن است که مدل اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار بوده و سرمایه فرهنگی مادران هم به صورت مستقیم و هم از طریق نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی بر کیفیت ازدواج دختران اثر معنادار دارد.

جدول ۶: نتایج تحلیل مسیر بین متغیرهای مدل پژوهش

ضریب استاندارد شده	انحراف معیار	عدد تی	سطح معنی داری
۰/۷۵	۰/۰۳	۲۷/۰۸	۰/۰۰۰
۰/۴۴	۰/۰۶	۶/۸۵	۰/۰۰۰
۰/۳۲	۰/۰۷	۴/۵۳	۰/۰۰۰

#### الف) مسیر سرمایه فرهنگی مادران $\leftarrow$ مهارت‌های ارتباطی

نتایج پژوهش نشان داد سرمایه فرهنگی مادران تأثیر مثبت و بسیار معناداری بر مهارت‌های ارتباطی دختران دارد. ضریب استاندارد شده این مسیر برابر با  $۰/۷۵$  بود و مقدار تی به  $۲۷/۰۸$  رسید که بیانگر قدرت بالای این رابطه است؛ بنابراین، هرچه سرمایه فرهنگی خانواده بیشتر باشد، سطح مهارت‌های ارتباطی دختران نیز به همان نسبت ارتقا می‌یابد و این متغیر نقش تعیین‌کننده‌ای در توانایی‌های ارتباطی آنان دارد.

#### ب) مسیر سرمایه فرهنگی مادران $\leftarrow$ کیفیت ازدواج

یافته‌ها نشان داد سرمایه فرهنگی مادران رابطه‌ای مثبت و معنادار با کیفیت ازدواج دختران دارد. در این مسیر ضریب استاندارد شده برابر با  $۰/۴۴$  و مقدار تی معادل  $۶/۸۵$  به دست آمد. این نتیجه گویای آن است که خانواده‌هایی با سطح بالاتر سرمایه فرهنگی، شرایط بهتری برای شکل‌گیری و تداوم ازدواج باکیفیت در دختران خود فراهم می‌کنند و از طریق انتقال ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی، زندگی مشترک آن‌ها را غنی‌تر می‌سازند.

#### ج) مسیر مهارت‌های ارتباطی $\leftarrow$ کیفیت ازدواج

بررسی داده‌ها نشان داد مهارت‌های ارتباطی نیز اثر مثبت و معناداری بر کیفیت ازدواج دارند. این مسیر ضریب استاندارد شده‌ای برابر با  $۰/۳۲$  داشت و مقدار تی آن  $۴/۵۳$  بود که نشان‌دهنده معناداری رابطه است. بر این اساس، برخورداری از مهارت‌های ارتباطی قوی می‌تواند نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی زناشویی داشته باشد و موجب افزایش رضایت و پایداری در روابط زوجین شود.

جدول ۷: نتایج آزمون سوبل برای بررسی اثر میانجی مهارت‌های ارتباطی

مسیر میانجی‌گری	ضریب مسیر	انحراف معیار	ضریب مسیر	انحراف معیار	مقدار Z	سطح معناداری	نتیجه
	a	a	b	b		(p)	
	(Sa)						
سرمایه فرهنگی خانواده $\leftarrow$ مهارت‌های ارتباطی $\leftarrow$ کیفیت ازدواج	۰/۷۵	۰/۰۳	۰/۳۲	۰/۰۷	۴/۵۰	۰/۰۰۰	معنادار

جدول شماره ۷، نتایج آزمون سوبل را برای بررسی نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی در رابطه بین سرمایه فرهنگی خانواده و کیفیت ازدواج دختران نشان می‌دهد. نتایج بیانگر آن است که اثر غیرمستقیم سرمایه فرهنگی خانواده بر کیفیت ازدواج از طریق مهارت‌های ارتباطی معنادار است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه فرهنگی خانواده با تقویت مهارت‌های ارتباطی دختران، به بهبود کیفیت ازدواج آنان کمک می‌کند.

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سرمایه فرهنگی مادران تأثیر مستقیم و معناداری بر کیفیت ازدواج دختران دارد و علاوه بر آن، از طریق نقش میانجی مهارت‌های ارتباطی نیز به‌طور غیرمستقیم بر آن اثر می‌گذارد. به بیان دیگر، دخترانی که در خانواده‌هایی با سطح بالاتری از سرمایه فرهنگی پرورش یافته‌اند، از مهارت‌های ارتباطی قوی‌تر و مؤثرتری برخوردارند و این توانمندی ارتباطی، به شکل‌گیری روابط زناشویی سالم‌تر، مدیریت بهتر تعارض‌ها و افزایش رضایت و ثبات در زندگی مشترک آنان منجر می‌شود. این یافته با دیدگاه پیروردیو (۱۳۶۵) در خصوص نقش بازتولید فرهنگی خانواده همسو است. بر اساس نظریه او، سرمایه فرهنگی در قالب سه بعد تجسم‌یافته، عینی و نهادی شده از طریق خانواده منتقل می‌شود و بر نگرش‌ها، الگوهای رفتاری و سبک ارتباطی افراد تأثیر می‌گذارد. خانواده‌هایی که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردارند، معمولاً محیطی گفت‌وگومحور و مبتنی بر احترام متقابل ایجاد می‌کنند که در آن ارزش‌هایی مانند همدلی، تفاهم و تعامل سازنده نهادینه می‌شود. چنین ویژگی‌هایی در دوران ازدواج، به‌صورت مهارت‌های ارتباطی مؤثر و روابط پایدارتر بروز می‌یابد.

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های سروش و علیپوریان (۱۴۰۱) همخوانی دارد که نشان دادند سرمایه فرهنگی بالاتر در میان زوجین با کاهش تعارضات زناشویی و افزایش استفاده از راهبردهای مثبت مواجهه ارتباط دارد. همچنین با مطالعه عابدی، لاریجانی و مدرس قرچه‌داغی (۱۴۰۱) همسو است که سرمایه فرهنگی مادران را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده معنادار ازدواج موفق دختران معرفی کردند. این همسویی نشان می‌دهد که خانواده‌ها با دارا بودن سرمایه فرهنگی غنی‌تر، از طریق انتقال ارزش‌های فرهنگی، سواد ارتباطی و سبک‌های زندگی فرهنگی، زمینه ازدواج موفق‌تر و رضایت‌بخش‌تری را برای فرزندان خود فراهم می‌کنند. علاوه بر این، نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های هادسون، اسمیت و تامپسون (۲۰۲۰) و همچنین رن، ژو و یانگ (۲۰۲۲) در سطح بین‌المللی نیز مطابقت دارد. این پژوهش‌ها نشان دادند که خانواده‌های دارای سرمایه فرهنگی بالاتر، از طریق آموزش ضمنی مهارت‌های ارتباطی و ارزش‌های فرهنگی به فرزندان، کیفیت روابط زناشویی را در نسل بعد ارتقا می‌دهند.

در مقابل، یافته‌های این تحقیق تا حدی با پژوهش ویلیکنز و لیونز (۲۰۱۴) متفاوت است؛ آنان تأثیر سرمایه فرهنگی را عمدتاً در حوزه مشارکت فرهنگی و اجتماعی بررسی کردند و به نقش آن در روابط خانوادگی یا زناشویی نپرداختند. تفاوت نتایج را می‌توان ناشی از تفاوت زمینه فرهنگی و ساختار خانواده دانست. در جامعه ایران، خانواده هنوز اصلی‌ترین نهاد جامعه‌پذیری محسوب می‌شود و مادران نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نگرش‌ها و الگوهای رفتاری دختران دارند، در حالی که در جوامع غربی، این نقش میان نهادهای آموزشی، رسانه‌ای و گروه همسالان توزیع شده است. همچنین نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های گیلکریست‌پتی و بورک (۲۰۱۵) درباره تأثیر روایت‌ها و توصیه‌های مادران بر رضایت زناشویی دختران همسوست. آنان نشان دادند که انتقال تجربیات زناشویی مادران از طریق گفت‌وگو و مشاوره غیررسمی، نقش مهمی در شکل‌دهی نگرش‌ها و رفتارهای زناشویی دختران دارد که این دقیقاً با مفهوم سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته در نظریه پیروردیو مطابقت دارد.

از منظر نظری، یافته‌های تحقیق حاضر را می‌توان در پرتو نظریه تبادل اجتماعی بلاو (۱۹۶۴) و نظریه سیستم‌های خانواده بوون (۱۹۷۸) نیز تبیین کرد. بر اساس نظریه تبادل اجتماعی، روابط انسانی زمانی پایدار می‌مانند که منافع روانی، عاطفی و اجتماعی رابطه بر هزینه‌های آن غلبه داشته باشد. سرمایه فرهنگی مادران با افزایش مهارت‌های ارتباطی و توانایی حل تعارض در دختران، هزینه‌های عاطفی و روانی

زندگی زناشویی را کاهش داده و رضایت را تقویت می‌کند. همچنین نظریه سیستم‌های خانواده تأکید دارد که خانواده یک نظام پویاست و الگوهای ارتباطی و هیجانی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. یافته‌های این پژوهش تأیید می‌کند که الگوهای ارتباطی مثبت مادران به‌عنوان بخشی از سرمایه فرهنگی خانوادگی، به نسل بعد منتقل شده و در روابط زناشویی دختران بازتاب می‌یابد.

از سوی دیگر، نتایج این مطالعه با پژوهش جعفری (۱۴۰۲) که نشان داد آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد، همخوان است. در واقع، نتایج حاضر نشان می‌دهد خانواده‌هایی که به‌صورت طبیعی و در فرآیند جامعه‌پذیری خانوادگی مهارت‌های ارتباطی را منتقل می‌کنند، تأثیری مشابه با آموزش‌های رسمی دارند، با این تفاوت که این مهارت‌ها در بستر فرهنگی و از طریق الگوگیری رفتاری نهادینه می‌شوند؛ بنابراین می‌توان گفت که سرمایه فرهنگی خانواده در واقع همان «زیرساخت نرم» آموزش مهارت‌های ارتباطی است که بدون مداخله رسمی، از طریق زندگی روزمره و تعاملات خانوادگی منتقل می‌شود.

بر اساس مجموعه شواهد تجربی و تئوریک، می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه فرهنگی مادران هم به‌صورت مستقیم و هم از طریق افزایش مهارت‌های ارتباطی، بر کیفیت ازدواج دختران اثرگذار است. علت این امر را می‌توان در نقش پررنگ مادران در فرآیند جامعه‌پذیری فرهنگی و انتقال الگوهای ارتباطی دانست. در جامعه ایرانی، مادران نه‌تنها به‌عنوان الگوی رفتاری بلکه به‌عنوان منبع اصلی انتقال ارزش‌های فرهنگی، زبان عاطفی و شیوه‌های حل تعارض شناخته می‌شوند. به همین دلیل، دخترانی که در خانواده‌هایی با سرمایه فرهنگی بالاتر رشد می‌کنند، از اعتماد به نفس ارتباطی بیشتری برخوردارند، تعارض‌ها را سازنده‌تر مدیریت می‌کنند و از رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند.

در مجموع، نتایج این پژوهش ضمن تأیید فرضیه‌های تحقیق، نشان داد که سرمایه فرهنگی خانواده صرفاً یک دارایی نمادین نیست بلکه کارکردی فعال در بهبود روابط انسانی و ارتقای کیفیت ازدواج دارد. این یافته‌ها دلالت‌های مهمی برای سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزشی دارد؛ بدین معنا که تقویت سرمایه فرهنگی خانواده‌ها از طریق گسترش دسترسی به منابع فرهنگی (کتاب، هنر، برنامه‌های فرهنگی و گفت‌وگوهای خانوادگی) و تلفیق آموزش مهارت‌های ارتباطی در برنامه‌های پیش از ازدواج، می‌تواند به افزایش رضایت، ثبات و کیفیت ازدواج در جامعه منجر شود. در نهایت، باید یادآور شد که پژوهش حاضر به دلیل ماهیت مقطعی خود قادر به استنتاج علی قطعی نیست و اتکای آن بر داده‌های خودگزارشی می‌تواند محدودیت‌هایی ایجاد کند. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از طرح‌های طولی، داده‌های زوجی و مقایسه‌های فرهنگی میان شهرها استفاده شود تا سازوکارهای فرهنگی و ارتباطی اثرگذار بر کیفیت ازدواج به‌صورت دقیق‌تری تبیین گردد. دلالت سیاستی نتایج روشن است: تقویت زیرساخت‌های فرهنگی خانواده (دسترسی به کتاب، هنر، فعالیت‌های فرهنگی) و ادغام آموزش مهارت‌های ارتباطی در برنامه‌های پیش از ازدواج می‌تواند کیفیت ازدواج را به‌طور پایدار ارتقا دهد. برای نهادهای آموزشی و مراکز مشاوره، طراحی کارگاه‌های کوتاه‌مدت مهارت‌های گفت‌وگو، گوش‌دادن همدلانه و حل تعارض—با مشارکت خانواده‌ها—مسیر عملیاتی ترجمه سرمایه فرهنگی به پیامدهای رابطه‌ای عینی را فراهم می‌کند. همچنین، سیاست‌های محلی فرهنگ‌محور در مدارس و مراکز محله که مشارکت فرهنگی دختران را افزایش می‌دهد، می‌تواند به‌طور غیرمستقیم سرمایه‌های ارتباطی مؤثر برای زندگی زناشویی آینده ایجاد کند.

مانند هر مطالعه میدانی، طرح مقطعی امکان استنتاج علیت قطعی را محدود می‌کند و اتکای داده‌ها بر خودگزارش‌دهی می‌تواند در معرض سوگیری باشد. تمرکز جغرافیایی نمونه نیز تعمیم‌پذیری را مقید می‌سازد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با طرح‌های طولی یا آزمایشی، سنجش چندمنبعی (گزارش زوجین/مشاهده‌ای) و مقایسه میان‌شهری و میان‌فرهنگی انجام شوند. بسط مدل با وارد کردن متغیرهای تعدیل‌گر مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی، دین‌داری و هنجارهای جنسیتی نیز می‌تواند فهم دقیق‌تری از شرایطی که در آن اثرات فرهنگی نیرومندتر یا ضعیف‌تر می‌شوند ارائه دهد. در مجموع، مطالعه نشان داد سرمایه فرهنگی خانواده نه فقط یک پس‌زمینه نمادین، بلکه منبعی کارکردی است که با شکل‌دهی به مهارت‌های ارتباطی دختران، کیفیت ازدواج آنان را تقویت می‌کند. این جمع‌بندی، هم فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کند و هم مسیر روشن و عمل‌پذیری برای مداخله‌های فرهنگی—آموزشی پیشنهاد می‌دهد. سرمایه‌گذاری

هم‌زمان بر منابع فرهنگی و آموزش ارتباطی می‌تواند به ارتقای انسجام خانوادگی و رضایت زناشویی بینجامد و بدین‌گونه، پیوند معناداری میان سیاست‌های فرهنگی و رفاه خانوادگی برقرار سازد.

## ۶- منابع

- ۱- بنی‌فاطمه، حسین؛ و طاهری تیمورلویی، طاهره (۱۳۸۸). تعیین عوامل اجتماعی-فرهنگی مرتبط با میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان متأهل شهر آذرشهر، مطالعات جامعه‌شناسی، ۲(۲)، ۷-۲۹.
- ۲- جعفری، علیرضا (۱۴۰۲). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی پس از ازدواج، فصلنامه علوم رفتاری.
- ۳- محمودپور، عبدالباسط؛ دهقانپور، ثنا؛ یوسفی، ناصر؛ و ایجادی، سحر (۲۰۲۰). پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان بر اساس ذهن آگاهی، الگوهای حل تعارض، حمایت اجتماعی ادراک شده و بهزیستی اجتماعی. پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱۰(۳۹)، ۸۳-۱۰۲. doi:10.22034/spr.2020.228592.1463
- ۴- سروش، مریم؛ و علیپوریان، ژیللا (۱۴۰۱). رابطه سرمایه فرهنگی و شدت تعارضات زناشویی و راهبردهای مواجهه در میان زوجین شهر شیراز، مجله جامعه‌شناسی خانواده ایران. doi:10.22034/jscc.2022.2763
- ۵- عابدی، ملیحه؛ لاریجانی، مهسا؛ و مدرس فرچه‌داغی، سارا (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی مادران بر ازدواج موفق دختران (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر تهران)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات جوانان، دانشگاه الزهرا.
- ۶- کاتب‌زاده‌بدر، طاهره؛ حسینی، سعیده؛ عارفی، مختار؛ کاکابرایی، کیوان؛ و چهری، آزیتا (۱۴۰۱). تبیین مدل عملکرد خانواده بر اساس مهارت‌های ارتباطی با میانجیگری امنیت روانی در بین زوجین، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۶(۳)، ۷۹-۸۹.
- ۷- متولیان، سید مهدی (۲۰۲۵). میزان سرمایه فرهنگی دختران در خانواده و تأثیر آن بر رفتار محیط‌زیستی آنان، جامعه و محیط‌زیست.
- ۸- رشوند سرخکوله، مرجان (۲۰۲۵). تجربه معاشرت با جنس مخالف و تمایل به ازدواج: مطالعه پسران مجرد شهر تهران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. doi:10.22034/jpai.2025.2063475.1415
- 9- Aşer, Z. H.(2021). How familial cultural capital affects high-school students' future expectations, *Istanbul Anthropological Review*.
- 10- Askary, S.; Qayyum, N.; Sant, R.(2015). Culture, communication skills and intellectual capital: A theoretical framework, *International Journal of Higher Education*.
- 11- Bankas, E. K.(2022). The power of family: The impact of family culture on marriage stability in China, *Chinese Journal of Sociology*, 8(1), 91-112. doi:10.1177/2057150X211067297
- 12- Berelson, B.; Steiner, G.(2020). Communication theory and marital satisfaction: A review of effective communication in human relationships, *Journal of Communication Theory*.
- 13- Blau, P. M.(1964). *Exchange and power in social life*, New York: Wiley.
- 14- Bourdieu, P.(1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-258), New York: Greenwood.
- 15- Byun, S.; Chu, H.; Kang, H.(2012). Western family patterns and marital quality: Cross-cultural evidence from East Asian societies, *Journal of Comparative Family Studies*, 43(4), 567-584.
- 16- Calatrava, M.; Martins, M.; Schweer-Collins, M.; Duch-Ceballos, C.; Rodríguez-González, M.(2021). Differentiation of self: A scoping review of Bowen Family Systems Theory's core construct, *Clinical Psychology Review*, 91, 102101. doi:10.1016/j.cpr.2021.102101
- 17- Chan, P.(2024). Bowen theory, culture and therapeutic applications to Asian families, *Australian and New Zealand Journal of Family Therapy*.
- 18- Dewi, E. M.; Herawati, T.; Tyas, F. P. S.(2019). The effect of social capital and husband-wife interaction on marital quality among families in early years and middle years marriage, *Journal of Family Sciences*, 3(1), 30-40. doi:10.29244/JFS.3.1.30-40

- 19- Emmanuella, N.; Omoboye, M.; Titor-Addingi, C.(2024). Communication patterns and marital satisfaction: A review of English language discourse in family counseling, *World Journal of Advanced Research and Reviews*, 21(3), 123–132.
- 20- Gilchrist-Petty, E.; Berkelaar, B. L.(2015). Momma's embedded advice: The relationship between mother–daughter marriage narratives and daughters' marital satisfaction, *Southern Communication Journal*, 80(4), 293–310.  
**doi:10.1080/1041794X.2015.1052151**
- 21- Hassan, N.; Mahmoud, R.(2023). Cultural capital and marriage decision: A sociological study of partner selection and marital stability, *Journal of Social and Cultural Studies*.
- 22- Homans, G. C.(1961). *Social behavior: Its elementary forms*, New York: Harcourt, Brace & World.
- 23- Hudson, N.; Smith, J.; Thompson, R.(2020). Family cultural capital and relationship skills: Impacts on marital stability, *Journal of Family Studies*, 34(2), 145–161.
- 24- Jang, D. H.; Kim, Y. H.; Choi, S. Y.(2015). The double mediating effects of acculturation and social capital on the relationship between marital satisfaction and parenting efficacy of marriage migrant women in rural areas, *Korean Journal of Human Ecology*, 20(4), 631–649. **doi:10.5934/KJHE.2015.20.4.631**
- 25- Kılçarslan, B.(2023). Interpersonal communication skills and marital satisfaction, *Journal of Family and Communication Studies*.
- 26- Kılçarslan, H.(2023). The relationship between communication skills and marital satisfaction among married individuals, *Journal of Family Studies*, 29(1), 45–60.
- 27- Li, J.; Wang, C.(2022). Rational choice theory and marriage decision, *Journal of Family Sociology*.
- 28- Luft, V.; Heider, A. K.; Liechtenstein, H.; el Sehy, T.(2025). From transmission to co-creation, *Journal of Family Business Strategy*, 16(3), 100686.
- 29- Mahmudah, U.; Maylansari, A.; Ruhma, A.(2024). The implementation of Bowen's theory in family problems, *G-Couns: Jurnal Bimbingan dan Konseling*.
- 30- Melistiantri, Y.; Dwi, P.; Nugroho, A.(2019). Social capital, marital interaction, and marital quality, *Journal of Family Studies*, 25(2), 145–158.
- 31- Nunes, A. C.; Andrade, J. M.(2024). The impact of cultural capital on school performance, *Frontiers in Education*.
- 32- Raudenská, P.(2022). Mediation effects in the relationship between cultural capital and academic outcomes, *Social Science Research*, 102, 102626. **doi:10.1016/j.ssresearch.2021.102626**
- 33- Sadeghi, M.; Mousavi, M.; Naderi, A.(2012). Cultural values, family structure, and marital satisfaction, *Asian Social Science*, 8(10), 85–94.
- 34- Sieben, S.; Lechner, C. M.(2019). Measuring cultural capital through the number of books in the household, *Measurement Instruments for the Social Sciences*.
- 35- Wang, Z.(2022). Intergenerational transmission and reproduction of family cultural capital, *Journal of Humanities, Arts and Social Science*.
- 36- Xie, F.; Hutagalung, F.(2025). How does cultural capital influence academic achievement in the Chinese context?, *SAGE Open*.

# The Impact of Mothers' Cultural Capital on Daughters' Marital Quality

## (Analyzing the Mediating Role of Communication Skills)

Mohammad Reza Heshmati<sup>1\*</sup>

1-PhD in Sociology, Faculty of Law and Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran. (Corresponding Author)

Rezaheshmaty1037@gmail.com

### Abstract

The present study aimed to examine the impact of family cultural capital on daughters' marital quality, with particular emphasis on the mediating role of communication skills. The research problem was formulated in light of the increasing marital challenges in contemporary Iranian society and the pivotal role of the family institution in enhancing marital quality. This study employed a descriptive-analytical design using a survey method. The statistical population consisted of married women aged 20 to 35 in Tehran who had been married for at least one year. Data were collected through standardized questionnaires measuring cultural capital (based on Bourdieu's theory), communication skills, and marital quality (researcher-made questionnaire). Data analysis was conducted using Structural Equation Modeling (SEM). The findings indicated that family cultural capital has a direct and significant effect on daughters' marital quality. Furthermore, communication skills play a substantial mediating role in strengthening this relationship. The results suggest that daughters raised in families with higher levels of cultural capital demonstrate stronger communication skills, which in turn enhance marital interactions and improve marital quality. By emphasizing the mediating function of communication skills, this study clarifies the causal pathways between variables and offers important implications for family policy-making and premarital education programs.

**Keywords:** Mothers' cultural capital, daughters' marital quality, communication skills.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)